



# مهم‌ترین مؤلفه‌ها و شاخص‌های فرهنگ سیاسی ایرانیان در عصر شبکه‌های اجتماعی از منظر نخبگان دانشگاهی

مهدی بیگدلو\*



## چکیده

فرهنگ سیاسی به‌عنوان بخشی از فرهنگ عمومی که بر رابطه جامعه و قدرت متمرکز است، تأثیر بسزایی در توسعه سیاسی کشورها دارد. بسیاری از اندیشمندان و پژوهشگران ایرانی و غیرایرانی به این مفهوم توجه داشته و مؤلفه‌ها و شاخص‌هایی برای آن برشمرده‌اند، اما ظهور شبکه‌های اجتماعی که بر تعاملات اجتماعی، به‌عنوان بنای فرهنگ، تأثیر گذاشته‌اند را نمی‌توان بر فرهنگ سیاسی بی‌تأثیر دانست؛ با این فرض، پژوهش حاضر در پاسخ به این پرسش که «شکل‌گیری شبکه‌های اجتماعی با ظرفیت‌های تعاملی، مشارکتی، و عمومی، سبب پدیدار شدن یا برجسته شدن چه مؤلفه‌ها و شاخص‌هایی در

\* (نویسنده مسئول) استادیار جامعه‌شناسی سیاسی، گروه علوم پایه، دانشکده فارابی، تهران، ایران،  
(Bigdeloo@alumni.ut.ac.ir)

تاریخ تصویب: ۱۴۰۰/۳/۲۷

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۲/۱۶

فرهنگ سیاسی ایرانیان شده است؟» به روش دلفی، از دیدگاه‌های نخبگان دانشگاهی بهره گرفته است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که هرچند برخی مؤلفه‌های تاریخی فرهنگ سیاسی ایران، همچون مطلق‌گرایی فکری، بی‌اعتمادی، بیگانه‌ستیزی، رفتارهای فراقانونی، خودمداری، افراط‌گرایی، و غالب بودن ارزش‌های دینی، با ادبیات دیگری از گذشته در فرهنگ سیاسی ایران وجود داشته است، اما مؤلفه نقد نظام سیاسی با شاخص‌هایی چون انتقاد از افراد برجسته سیاسی در قدرت، پخش کلیپ‌های فعالان سیاسی مخالف دولت، و نقد سیاست‌های دولت، در نتیجه ظهور شبکه‌های اجتماعی مجازی در فرهنگ سیاسی ایرانیان برجسته شده است.

واژگان کلیدی: فرهنگ، سیاست، فرهنگ سیاسی، رسانه، شبکه‌های اجتماعی



### مقدمه

شبکه‌های اجتماعی در سال‌های اخیر بر شکل و گستره تعامل میان افراد جامعه و گروه‌ها و معنادگی آن‌ها به پدیده‌ها، بی‌تأثیر نبوده و چه بسیارند مسائل سیاسی‌ای که هم‌بسته فضای مجازی تعریف شده‌اند؛ هم به دلیل اینکه این فضا، تسهیل‌گر مداخله‌ها، بده‌بستان‌ها، و ارتباطات اهالی سیاست و پیغامبر میان آن‌ها و افشاکننده رازها، خواسته‌ها، و ایده‌هایشان شده است، هم به این سبب که خودش با مخاطبانی تازه و پوی‌هایی نوین، فضای تازه‌ای از گفت‌و شنود و تعامل را به وجود آورده است (مهدی‌پور، ۱۳۹۶: ۱۲۹)؛ بنابراین، توجه به این تأثیرپذیری، اهمیت بسزایی یافته است. لستر تارو<sup>۱</sup> در این باره در کتاب «رویارویی بزرگ» (۱۹۹۳) می‌گوید: «آن‌هایی که با صدای انقلاب صنعتی از خواب بیدار نشدند، ملت‌های توسعه‌نیافته کنونی لقب گرفته‌اند. اکنون صدای دیگری در راه است؛ آن‌هایی که گوش خود را بر این صدا می‌بندند، بی‌تردید حاشیه‌نشینان فقیر دنیای فردا خواهند بود» (برت و همکاران، ۱۳۹۶: ۸)؛ براین اساس، توجه به آثار رسانه‌های اجتماعی ضروری به نظر می‌رسد.

پیامدهای ظهور و گسترش شبکه‌های اجتماعی در جوامع مردم‌سالار اهمیت ویژه‌ای دارد، زیرا سرانجام، این جامعه است که سیاست و نظام سیاسی را شکل داده و موجب بازتولید سیاست و به بیان دیگر، روابط قدرت می‌شود و هر تغییری در فضای جامعه، بر فضای سیاسی تأثیر می‌گذارد. ضمن اینکه نظام سیاسی نیز برای بازتولید خود به بهره‌گیری از ابزاری برای تأثیرگذاری بر حوزه عمومی فرهنگی و

اجتماعی نیاز دارد و می‌کوشد در این حوزه، حضور فعالی داشته باشد که استفاده از شبکه‌های اجتماعی برای نقد سیاست‌های جاری کشور توسط مردم و همچنین، حضور افراد و گروه‌های سیاسی در این شبکه‌ها برای تبلیغات سیاسی یا پاسخ‌گویی به انتقادات را می‌توان ناشی از اثرگذاری شبکه‌های اجتماعی در فضای سیاسی ایران دانست. اما اینکه آیا این بستر تعاملات سیاسی، تنها بر کنش سیاسی مقطعی کاربران تأثیرگذار بوده است یا توان آن را دارد که با تداوم اثرگذاری خود بر گرایش‌ها و ایستارهای مردم به نظام سیاسی، بر فرهنگ سیاسی تأثیر بگذارد، پرسشی است که پژوهش حاضر در پی بررسی آن است.

به سبب اهمیت بررسی فرهنگ سیاسی، اندیشمندان بسیاری آن را سنخ‌شناسی کرده‌اند؛ *آلموند و وربا*<sup>۱</sup> به فرهنگ سیاسی تبعی یا انقیاد، فرهنگ سیاسی محدود (سنتی)، و فرهنگ سیاسی مشارکتی (فعال) اشاره دارند (اخوان کاظمی، ۱۳۸۶: ۱۲-۱۳). *روزنباوم*<sup>۲</sup>، افزون بر سه نوع فرهنگ سیاسی مطرح‌شده توسط *آلموند و وربا* انواع دیگر فرهنگ سیاسی را شامل فرهنگ سیاسی مدنی، ایدئولوژیک، همگن، چندپاره، پیوسته، و ناپیوسته می‌داند (علم، ۱۳۸۷: ۷۰-۶۹). *آلموند و پاول*، دو نوع فرهنگ سیاسی وفاق‌گرا و منازعه‌گرا را شناسایی کرده‌اند (ساعی و کریمی، ۱۳۹۱: ۱۲۱). پژوهشگران ایرانی نیز به این مفهوم توجه داشته‌اند؛ به عنوان نمونه، بشیریه، فرهنگ سیاسی را به تابعیتی و مشارکتی تقسیم کرده است (۱۳۸۴) و *مسعود چلبی* به فرهنگ سیاسی مردم‌سالار و فرهنگ سیاسی استبدادی اشاره دارد (ساعی و کریمی، ۱۳۹۱: ۱۲۲).

در کنار این تقسیم‌بندی‌ها، اندیشمندان مختلف به مؤلفه‌ها و شاخص‌های گوناگون فرهنگ سیاسی ایران نیز اشاره داشته‌اند که *محمود سریع‌القلم* (۱۳۸۶)، *عباس مصلی‌نژاد* (۱۳۸۸)، *محمدحسین بهشتی* (۱۳۷۹)، و *نوراله قیصری* (۱۳۷۴) از آن جمله‌اند. اما اینکه این مؤلفه‌ها در بستر سیاسی-اجتماعی ایجادشده توسط شبکه‌های اجتماعی، چه تأثیری پذیرفته‌اند یا شاخص‌های آن‌ها در این فضا کدامند، موضوعی است که پژوهش حاضر بررسی کرده است.

1. Almond & Verba
2. Rosenbaum

## ۱. پیشینه پژوهش

در سال‌های اخیر، پژوهشگران گوناگونی فرهنگ سیاسی و کارکرد سیاسی شبکه‌های اجتماعی را واکاوی کرده‌اند؛ به‌عنوان نمونه، ویرا کاستا<sup>۱</sup> (۲۰۱۸) با بررسی رابطه فرهنگ سیاسی و دموکراسی در برزیل و کلمبیا به این نتیجه رسیده است که با وجود، پیشینه تاریخی، به‌ویژه دوره‌های خشونت در کلمبیا و زمان قطع دموکراسی در برزیل، این دو کشور در فرهنگ‌های سیاسی خود شباهت‌هایی دارند. لی<sup>۲</sup> (۲۰۱۷) به تغییر فرهنگ سیاسی چین از طریق رسانه‌های اینترنتی اشاره کرده است، اما بر این نظر است که این رسانه‌ها نمی‌توانند بر قدرت مطلق دولت تأثیر بگذارند، زیرا نظام سیاسی چین بر رسانه‌های اجتماعی اینترنتی کنترل دارد و شهروندان نیز بیشتر به فکر توسعه اقتصادی و ثروت خود هستند.

به‌نظر آندریو<sup>۳</sup> (۲۰۱۹)، شبکه‌های اجتماعی، فضایی را برای ارتباط مستقیم ایجاد کرده‌اند و مردم از طریق آن می‌توانند به‌طور مستقیم با برخی از سیاستمداران یا نامزدها مقابله یا از آن‌ها پشتیبانی کنند.

چکونوا<sup>۴</sup> (۲۰۱۶) نیز در مقاله «رسانه‌های نوین در ارتباط سیاسی»، رسانه‌های جدید را دارای نقش مهمی در ایجاد قوانین رفتاری در اینترنت و ایجاد فرهنگ خاص ارتباط الکترونیکی بین دولتمردان و جامعه می‌داند. در مقابل، مارینسکو<sup>۵</sup> (۲۰۱۹)، در پایان‌نامه خود با عنوان «فرهنگ‌سازی سیاسی از طریق رسانه‌های اجتماعی» این تأثیرگذاری را معکوس دانسته و بر این نظر است که پشتوانه فرهنگی همراه با باورهای سیاسی بر شیوه تعامل افراد طرفدار احزاب مخالف در فیس‌بوک تأثیر گذاشته است. وی با بررسی نحوه نمایش عقاید شخصی افراد، هنگام درگیر شدن در موضوع‌های بحث‌برانگیز، نشان داده است که دیگر نمی‌توان آن را برخورد ایدئولوژی‌ها دانست، زیرا فرهنگ‌های سیاسی، جایگزین ایدئولوژی‌ها شده‌اند.

1. Vieira Costa
2. Lei
3. Andreeva
4. Chekunova
5. Marinescu

پژوهشگران ایرانی نیز به فرهنگ سیاسی و شبکه‌های اجتماعی در ایران (به‌گونه‌ای جداگانه یا در کنار هم) توجه داشته‌اند؛ به‌نظر محمود سریع‌القلم (۱۳۸۶)، روح فرهنگ سیاسی ایرانیان را تفکر ایلی و عشیره‌ای تشکیل می‌دهد که بر تمام ابعاد فرهنگ سیاسی ایران معاصر نیز سایه افکنده است.

سیدجمال جمالی/سگویی (۱۳۹۰)، پیروزی نهضت مشروطه را بر برخی از شاخص‌های فرهنگ سیاسی ایرانیان، از جمله نوع نگاه مردم به حکومت و پایه‌های مشروعیت آن، حق مشارکت مردم در نظام سیاسی، نظارت مردم بر عملکرد مسئولان و پاسخ‌گویی آنان در برابر مردم، و تغییر فرهنگ سیاسی ایرانیان از محدود به تبعی و نیمه‌مشارکتی، مؤثر می‌داند.

زهرا مظفری‌پور (۱۳۹۰) با توجه به فرهنگ سیاسی‌ای که در بطن دولت رانتیر شکل می‌گیرد، نقش فرهنگ سیاسی را در تحکیم پایه‌های اقتدار دولت محمدرضا پهلوی بررسی کرده است. به‌نظر این نویسنده، دولت پهلوی در ایران، افزون‌بر تکیه بر درآمدهای نفتی، ویژگی‌های فرهنگ سیاسی تبعی، مانند اقتدارگرایی، حامی‌پروری، شاه‌پرستی، اسطوره‌سازی، و باور ظل‌اللهی پادشاه، را نیز برای تحکیم پایه‌های قدرت خود بازتولید و هم‌زمان، دموکراسی شاهنشاهی را که با ویژگی‌های تبعی فرهنگ سیاسی هماهنگ بود، ارائه می‌کرد.

سیدسعید موسوی (۱۳۸۹) فرایند جهانی‌شدن را زمینه‌ساز افزایش عام‌گرایی و دگرگونی در فرهنگ و فرهنگ سیاسی، از راه افزایش سطح بده‌بستان‌های تجاری و ارتباطات می‌داند که موجب شکل‌گیری الگوی خاصی از فرهنگ سیاسی در ارتباط با جامعه مدنی با تأکید بر آموزه‌های اسلامی در ایران شده است.

به‌نظر سلمان صادقی‌زاده (۱۳۹۳)، در حالی که نمادها و شکل‌های مدرن به فرهنگ سیاسی ایرانیان راه یافته‌اند، بنیان‌ها و مبانی مدرن، پشت درهای بسته فرهنگ سیاسی ایران پس از انقلاب همچنان در مانده‌اند. این فرایند دوگانه‌طرد و جذب هم‌زمان که بر اثر فرایندهای جهانی‌شدن به‌وجود آمده است را به‌خوبی می‌توان در فرهنگ سیاسی ایران پس از انقلاب به‌نظاره نشست.

مظلوم خداشهری و همکاران (۱۳۹۹) نیز ارتقای شاخص‌های توسعه اجتماعی را زمینه‌ساز بهبود فرهنگ سیاسی مشارکتی دانسته‌اند.

بررسی پژوهش‌های انجام‌شده درباره فرهنگ سیاسی نشان می‌دهد که عوامل گوناگونی همچون تفکرات و پدیده‌های تاریخی، شکل و عملکرد نظام‌های سیاسی و مسئولان کشور، و در سال‌های اخیر نیز جهانی‌شدن، بر فرهنگ سیاسی تأثیرگذار بوده‌اند، ولی تأثیرپذیری مؤلفه‌ها و شاخص‌های فرهنگ سیاسی ایرانیان، پس از ظهور شبکه‌های اجتماعی پرکاربردی همچون اینستاگرام، واتساپ، و تلگرام چندان موردتوجه نبوده است که در این پژوهش به آن پرداخته شده است.

## ۲. چارچوب نظری پژوهش

### ۲-۱. فرهنگ و سیاست

پیتر ریچرسون و رابرت بوید<sup>۱</sup>، فرهنگ را عبارت از اطلاعاتی می‌دانند که می‌تواند بر رفتار افرادی که آن را از طریق آموزش، تقلید، و شکل‌های دیگر انتقال اجتماعی به‌دست می‌آورند، تأثیر بگذارد (بروگمن، ۱۳۹۳: ۸۸-۸۷) و با وجود اختلاف نظرهایی که در مورد آن به‌عنوان متغیری اثرگذار وجود دارد، این نکته نیز تا حد زیادی پذیرفته شده است که ویژگی‌های سخت‌افزاری، اعم از محیط جغرافیایی، پیشرفت صنعتی، و توسعه شهری نیز بر فرهنگ تأثیر می‌گذارند (مردیها، ۱۳۹۷: ۸۹).

از آنجاکه فرهنگ با حوزه‌های دیگر، ارتباط تنگاتنگی دارد و معنادهی افراد به پدیده‌ها برپایه پیش‌فرض‌ها، تصورات از پیش موجود، و به‌تعمیری گفتمان‌های موجود انجام می‌شود و اقدامی فی‌البداهه نیست، با غالب بودن سیاست در جامعه می‌توان فرهنگ را پیشاپیش امری سیاسی به‌شمار آورد (حسینی، ۱۳۹۱: ۱۵۳) که افروغ به این ویژگی در فرهنگ ایرانی این‌گونه اشاره می‌کند:

شما وقتی در فرهنگ ایرانی جست‌وجو می‌کنید، می‌بینید که دلالت‌های مستقیم سیاسی دارد؛ یعنی این‌طور نیست که برای مثال ما جزیره‌ای داشته باشیم به‌نام فرهنگ و جزیره دیگری هم به‌نام سیاست و حالا تلاش کنیم که تعاملی بین آن‌ها ایجاد کنیم. به‌هیچ‌وجه این‌طور نیست. در فرهنگ و هویت ایرانی، نگاهی سلسله‌مراتبی مبتنی بر تلفیق بین عناصر دینی و

سیاسی و یک درک مبتنی بر آشتی‌ناپذیر بودن حق و باطل نهفته است؛ بنابراین، سیاست جزء دلالت‌های ذاتی این نحوه نگاه است. این ویژگی منحصر به فردی در تاریخ ایران است و نمی‌شود فرهنگ را از سیاست جدا کرد (افروغ، ۱۳۸۷: ۵۴).

ایوشومی<sup>۱</sup>، برای نخستین بار در جامعه‌شناسی فرانسه، با قاطعیت اعلام کرد که فرهنگ، یک بعد سیاسی نیز دارد. دلیل آن هم این است که فرهنگ، خود را در پشت تمام کنش‌های فردی و اجتماعی پنهان می‌کند و همان‌گونه که بر رفتار اجتماعی تأثیر می‌گذارد، به گونه‌ای ناخودآگاه بر رفتار سیاسی نیز تأثیر بر جای می‌نهد (نقیب‌زاده، ۱۳۸۰: ۶) و می‌تواند از یک سو نشانه‌های اراده و انتظار جامعه را به عرصه سیاست منتقل کرده و از سوی دیگر، بین ادراک عمومی جامعه و همچنین، نخبگان سیاسی، ارتباط و پیوند ایجاد کند (مصلی‌نژاد، ۱۳۸۷: ۲۸)؛ تاجایی که به‌باور وسلز<sup>۲</sup> (۲۰۱۸) با یک روند تأثیرگذار چرخشی بین «سیاست-فرهنگ-جامعه» مبتنی بر شیوه تعامل فرهنگی و سیاسی اعضا حتی می‌تواند یک فرهنگ سیاسی جدید ایجاد کند (وسلز، ۲۰۱۸: ۸۱).

گل‌محمدی، رایج‌ترین الگوهای رابطه فرهنگ و سیاست را در چارچوب یک دسته‌بندی چهارگانه شناسایی و معرفی کرده است:

یکم، فرهنگ، شکل‌دهنده بستری است که سیاست در چارچوب آن رخ می‌دهد. بر این اساس، فرهنگ اولویت‌های سیاسی را تنظیم می‌کند (منافع و نحوه تعقیب آن منافع)؛ دوم، فرهنگ هویت‌های فردی و جمعی را به هم پیوند می‌زند. این تأثیر هویت‌مبنا، به این صورت شکل می‌گیرد که فرهنگ، تصویری از وضع موجود برای افراد یک جامعه ترسیم می‌کند که بر پایه آن، کنش‌ها یا گزینه‌های معینی ممکن و موجه به نظر می‌رسد (سرنوشت مشترک)؛ سوم، فرهنگ، چارچوبی برای تفسیر کنش‌ها و انگیزه‌های دیگران فراهم می‌کند؛ چهارم، فرهنگ، منابعی برای سازماندهی و بسیج سیاسی فراهم می‌کند و دربرگیرنده گنجینه‌های ارزشمندی است که رهبران

1. Yvesschemey
2. Wesseles



و گروه‌های سیاسی می‌توانند به‌عنوان ابزارهایی برای سازماندهی و بسیج مورد استفاده قرار دهند (گل محمدی، ۱۳۹۴: ۱۰-۹).

آلن اسکات<sup>۱</sup> نیز در کتاب «فرهنگ سیاسی و جنبش‌های اجتماعی» می‌کوشد نشان دهد که فرهنگ از دو طریق با سیاست ربط پیدا می‌کند:

۱. شکل‌های گوناگون کنش جمعی را که سازمان‌های سیاسی نخستین به‌نها وابسته‌اند، آسان می‌سازد؛ ۲. ارزش‌هایی که بر اثر این شکل‌های کنش جمعی پدید می‌آیند به‌نوبه خود بخش‌هایی از محیط‌های بیرونی و دورنی‌ای را می‌سازند که سیاست در آنها عمل می‌کند. (اسکات، ۱۳۸۸: ۲۶).

## ۲-۲. فرهنگ سیاسی و فرهنگ عمومی

الگوهای ظاهری رفتار فرهنگی، بیش از آنکه در زندگی فرهنگی وجود داشته باشند، در حوزه سیاسی وجود دارند (نوژن خاتمی<sup>۲</sup>، ۲۰۱۳: ۴) و در مقابل، فرهنگ سیاسی، بیش از آنکه به چیز دیگری وابسته باشد، به مجموعه کلی ارزش‌های یک جامعه وابسته است (روشنباخ<sup>۳</sup>، ۲۰۱۲: ۴۷۸). این ارتباط دوسویه باعث شده است که مفاهیمی که در سنت‌ها و باورها، عقاید، و ارزش‌های یک ملت یا جامعه ریشه دارند (چون قدرت، آزادی، مردم‌سالاری، حاکمیت، مشروعیت، برابری، دولت، حکومت، انسان سیاسی، حقوق اساسی و پدیده‌های دیگر مطرح در قلمرو سیاست) هم مورد توجه باشند (رضایی و زهره‌ای، ۱۳۹۰: ۴۵).

فرهنگ سیاسی، رشته‌هایی از تاروپود فرهنگ کلی جامعه است که بر پایه نوع رابطه فرهنگ با فرهنگ سیاسی، قوانین حاکم بر فرهنگ بر فرهنگ سیاسی نیز حاکم است و کشف قوانین موجود در فرهنگ به کشف قوانین فرهنگ سیاسی می‌انجامد (اسماعیلی، ۱۳۹۰: ۱۹)؛ در این راستا، هانتینگتون<sup>۴</sup> بر این نظر است که همان‌گونه که فرهنگ در معنای کلی آن، سازگاری و وحدت را برای زیست اجتماعی به‌ارمغان می‌آورد، فرهنگ سیاسی با سطوح متنوعی از آگاهی و احساسات

1. Alan Scott
2. Nojang Khatami
3. Rauschenbach
4. Huntington

انسانی ارتباط دارد و بخش زیادی از فرهنگ در آموزش معمول شهروندان و آگاهی کسب‌شده از نحوه کار نظام سیاسی ریشه دارد (علم، ۱۳۸۷: ۹۴).

فرهنگ سیاسی به موضع‌گیری‌ها و وضعیت‌های سیاسی و همچنین، نگرش‌های مرتبط با نقش هر فرد در نظام سیاسی اشاره دارد (ویرا کاستا<sup>۱</sup>، ۲۰۱۸: ۴۷) و معمولاً دربردارنده رابطه ذهنی با سیاست (علائق، اطلاعات، ارتباطات)، نگرش‌ها به الگوهای متفاوت نظم سیاسی (دموکراسی، سوسیالیسم)، و سرانجام، ارزیابی از دستاوردهای سیاست (رضایت از دموکراسی، اعتماد به مؤسسه‌های سیاسی) است (ریستینا<sup>۲</sup>، ۲۰۱۳: ۴۱۴) و از این باور پدید آمد که مردم باید در سیاست فعال باشند هرچند ممکن است افراد فرهنگ سیاسی خود را بدون آنکه عموماً از آن اطلاعی داشته باشند نیز بیان کنند (مارچنکو<sup>۳</sup>، ۲۰۱۶: ۱۴).

فرهنگ سیاسی، به‌عنوان ارزش‌ها و اعتقادات مشترک یک گروه یا جامعه در مورد روابط سیاسی و سیاست‌های عمومی به این پرسش پاسخ می‌دهد که انسان‌ها چگونه می‌خواهند با هم زندگی کنند (سدلو<sup>۴</sup>، ۲۰۱۳: ۶۲۴)، زیرا به‌عنوان طیف گسترده‌ای از الگوهای علمی، افراد جامعه را قادر می‌کند تا خود را به‌عنوان بازیگران سیاسی نشان دهند، با بازیگران سیاسی دیگر ارتباط برقرار کنند، و با چارچوب سازمانی آن‌ها تعامل داشته باشند (مارینسکو<sup>۵</sup>، ۲۰۱۹: ۱۹).

یک فرهنگ سیاسی اگر یک میراث مشترک باشد که در مدت زمان طولانی‌تری (گاهی با بلوغ)، به‌دست آمده باشد، شکوفا خواهد شد. همچنین، نشان‌دهنده اثبات غریزه بقای مردم است که از طریق مجموعه قوانین داخلی خود و تدوین راه‌حل‌های مشخصی برای معضلات ارائه می‌شود. انتقال عناصر فرهنگی برپایه مسیر تعیین شده توسط اعضای جامعه باعث می‌شود که همه اعضا، حتی جدیدترین عضو آن، به‌سوی اجتماعی شدن حرکت کنند (کاروتی<sup>۶</sup>، ۲۰۱۱: ۲)؛ از این رو،

1. Vieira Costa
2. Rystina
3. Marchenko
4. Swedlow
5. Marinescu
6. Cartocci

می‌تواند یکی از الگوهای مهم برای بررسی و تجزیه و تحلیل فرایند توسعه سیاسی در جوامع گوناگون و بستری برای تحقق حکمرانی خوب در هر جامعه‌ای به‌شمار آید (حاجی‌یوسفی و طالبی، ۱۳۹۵: ۹).

### ۳. شاخص‌های کلی فرهنگ سیاسی ایرانیان

پژوهش‌های گوناگونی فرهنگ سیاسی ایرانیان را بررسی کرده‌اند و اندیشمندان به مؤلفه‌ها و شاخص‌های متفاوتی اشاره کرده‌اند؛ به‌عنوان نمونه، مصلی‌نژاد در «نشانه‌شناسی فرهنگ سیاسی ایران» به ایران‌مداری، اسطوره‌سازی، خودشیفتگی، عزلت‌گزینی و بی‌علاقگی، وضعیت خودویرانگر، فرهنگ مذکر، خرده‌گیری، خطرپذیری، کمال‌گرایی، افراط‌گرایی، نگرش تفریطی، بی‌ثباتی و تغییرپذیری سریع در کنش سیاسی-اجتماعی، کنش‌های هیجانی-تخریبی، و انتظارات فزاینده (مصلی‌نژاد، ۱۳۸۷: ۲۷۵-۲۵۸) اشاره دارد و قیصری، عناصر اصلی فرهنگ سیاسی ایران را آمیختگی دین و سیاست، ظل‌اللهی بودن سلطنت، عدالت و ظلم، بی‌اعتمادی بین دولت و مردم، بیگانگی ترسی (فردی که دیدگاه‌هایش با افراد جامعه اشتراک ندارد) و انتظار یا مهدویت (قیصری، ۱۳۸۸: ۱۹۱-۱۶۱) می‌داند.

ربانی و شایگان‌فر، مؤلفه‌های فرهنگ سیاسی ایران را ضعف اعتماد سیاسی، تمرکزگرایی و نظام سلسله‌مراتبی، کاریزما و منجی‌گرایی، رفتارهای دوگانه، فرهنگ عشیره‌ای-قبیله‌ای، مقاومت و مبارزه، شهادت‌طلبی و بیگانگی‌ستیزی و اصلاح‌طلبی و آرمان‌خواهی (ربانی و شایگان‌فر، ۱۳۸۹: ۱۳۷-۱۲۹)، و قیصری، عمده‌ترین ارزش‌های سیاسی در فرهنگ سیاسی ایران را نفوذ، پرستیژ و احترام اجتماعی، استقلال‌طلبی (در برابر سلطه بیگانگان به صورت جمعی و در مقیاس فردی برای استقلال از حکومت)، مساوات‌خواهی، امنیت، وطن‌پرستی (چه در شکل محله‌گرایانه و چه در شکل جغرافیای سیاسی ملی)، و ظلم‌ستیزی و ضدیت با ظلم (قیصری، ۱۳۸۸: ۲۰۱-۱۹۸) معرفی کرده‌اند.

به‌نظر محمدی/صل، منش ایرانی در شرایط اجتماعی حاضر، سرشار از بی‌اعتمادی به خود و دیگری، آستانه تحمل پایین، خشونت‌گرایی در برابر زیردستان در کنار اطاعت ظاهری از فرادستان، عاطفه‌گرایی و هیجان‌پذیری، بی‌اعتقادی به کار

و تولید و برنامه‌ریزی، علم‌ناگرایی و عقلانیت‌گریزی و نفی تجربه‌گرایی در عین نگاه فلسفی-حکمی، بی‌اعتنایی به تن و فراغت و بلکه آسیب‌رسانی به بدن، خودپرستی در پشت نقاب نوع‌دوستی، نارضایتی از دنیا و مافیها، تظاهر به اخلاق، نظم‌شکنی و تک‌روی، گذشته‌نگری و ناامیدی یا انتظار آینده‌ای مبهم است که خود تابعی از نبود طبقات اجتماعی و به‌ویژه طبقه متوسط، افسارگسیختگی قدرت، مشارکت‌ناپذیری سیاسی، شهر بی‌شهروند، رانت اقتصادی، پدرسالاری و پیرسالاری، چالش عرف و دین، ناپایداری خانواده و وابستگی‌های گروهی، و تعارض احکام تحلیلی و تألیفی است (محمدی‌اصل، ۱۳۹۰: ۳۵۳).

به‌نظر شریف، ساخت پاتریمونیالی حاکم بر ایران، هویت سیاسی خاصی به ایرانیان می‌بخشد که مهم‌ترین ویژگی‌های آن، فرصت‌طلبی سیاسی، انفعال، اعتراض پنهان، ترس و تسلیم، سکوت، فردگرایی منفی، و... است (شریف، ۱۳۸۱: ۴۰). *اخوان کاظمی* در «رهیافت روان‌شناختی» به عواملی چون جزمیت‌گرایی، افراط و تفریط، قهرمان‌پرستی، ترس از قدرت، بی‌اعتمادی، بدگمانی، و آسیب‌پذیری از هوا و هوس‌های شخصی، به‌عنوان نکته‌های منفی فرهنگ سیاسی ایرانیان اشاره می‌کند (اخوان کاظمی، ۱۳۸۶). *امینی و خسروی*، فرهنگ آمریت-تابعیت، عدم تساهل و سعه صدر، خشونت و سیاست‌گریزی (امینی و خسروی، ۱۳۸۹: ۱۳۹-۱۳۷) را مؤلفه‌های فرهنگ سیاسی ایران برمی‌شمرده‌اند.

*ماروین زونیس*<sup>۱</sup>، فرهنگ سیاسی نخبگان ایران را در چهار ویژگی بدبینی سیاسی، بی‌اعتمادی شخصی، احساس عدم امنیت آشکار، و سوءاستفاده‌های فردی خلاصه می‌کند. *دیوید مک‌کلند*<sup>۲</sup>، زمینه‌های عمومی این فرهنگ را که در امثال و حکم، فولکلور، و ادبیات عامه بازتاب یافته است، مانع شکل‌گیری گرایش‌های مشارکت‌جو و رقابت‌پذیر می‌داند. به‌نظر او، فردگرایی منفی و پرهیز از بیان صریح دیدگاه‌ها، برخاسته از همین ویژگی‌ها و زمینه‌ها است. زرنگی، تک‌روی، وا گذاشتن صلاح مملکت به خسروان، اعتماد نکردن به کسان، انتظار شر داشتن از دیگران، گزافه‌گویی، فرصت‌طلبی، آب را گل‌آلود کردن، تسلیم در برابر خصم غالب، ترجیح

1. Marvin Zonis

2. David Clarence Mc Clelland

سکوت بر نظرورزی، رازآلودگی، تملق و لاف زیادی زدن، از جمله ویژگی‌ها و زمینه‌هایی است که در عمل، راه مشارکت‌ستیزی و رقابت‌گریزی را می‌گشایند (جعفرپور کلوری، ۱۳۸۹: ۱۷).

زیباکلام، ویژگی‌های فرهنگ سیاسی، از جمله عدم استقبال از فعالیت‌های دسته‌جمعی سازمان‌یافته و تشکیلاتی، بی‌اعتمادی و بی‌توجهی به احزاب، وجود فرهنگ سیاسی مرید و مرادی، و تمایل به حرکت‌های توده‌وار را از جمله دلایل جامعه‌شناختی رویگردانی از رقابت سیاسی می‌داند (شریف، ۱۳۸۱: ۱۳۳). به‌نظر آر.دی. گاستیل<sup>۱</sup>، فرهنگ سیاسی ایران، زمینه مساعدی را برای مشارکت و رقابت سیاسی ایجاد نمی‌کند. وی بر این نظر است که ایرانیان طبعاً، شرور و قدرت‌طلبند، همه‌چیز در حال دگرگونی و غیرقابل اعتماد است، آدم باید به اطرافیانش بدبین و بی‌اعتماد باشد، حکومت دشمن مردم است، و... (بشیریه، ۱۳۸۴: ۱۵۹).

حسین بشیریه، ویژگی‌های فرهنگ سیاسی تابعیتی ایران را دربردارنده نگرش نامساعد نخبگان حاکم در مورد مشارکت و رقابت، رابطه عمودی قدرت عمومی، برتر و قهرمان‌گونه و بی‌همتا دانستن حاکم، انتظار انجام همه کارها از حکومت، بی‌اعتمادی به وعده‌های حاکم، اعتراض ناگهانی و عصبی، نگرش منفی به قدرت سیاسی، اطاعت و تابعیت محض، عزلت‌گزینی، کناره‌جویی و انفعال کامل سیاسی، بی‌اعتمادی به یکدیگر، عدم همکاری و ضعف روحیه همکاری جمعی، تقدس حاکمان، جلب رضایت حاکم به هر نحو، رواج فرصت‌طلبی و چاپلوسی، ترس از اعمال حکومت، ادعای مالکیت جان و مال مردم از سوی حکومت و اعتراض از موضع اخلاقی بر ضد فرصت‌طلبی و قدرت‌پرستی (خان‌محمدی، ۱۳۹۲: ۴۵-۴۱) می‌داند.

جمالی‌اسگویی (۱۳۹۰) شاخص‌های فرهنگ سیاسی مردم ایران را در دوران پیش از مشروطیت شامل نگرش نامساعد مردم و جامعه در مورد مشارکت و رقابت و رابطه قدرت سلسله‌مراتبی، نگاه قهرمان‌گونه به حاکم و تقدیس حاکمان، جلب رضایت حاکم به هر نحو، رواج فرصت‌طلبی و چاپلوسی، تصور و باور به همه‌کاره بودن حاکم حتی تا حد مالکیت او بر جان و مال مردم، اطاعت و تابعیت محض،

عزالت‌گزینی، کناره‌جویی و انفعال کامل سیاسی، عدم همکاری، و ضعف روحیه همکاری جمعی برمی‌شمرد (جمالی‌اسگوی، ۱۳۹۰: ۱۳).

به نظر مصلی‌نژاد، شاخص‌های اصلی فرهنگ سیاسی ایران را باید مبتنی بر عدم اعتماد، مقاومت خاموش، افراط‌کاری، بیگانه‌ترسی، آرمان‌گرایی، رسالت‌گرایی، هیجان عاطفی، روح قیامت‌نگر و خطرپذیری رمانتیک در کنش سیاسی و بین‌المللی دانست (مصلی‌نژاد، ۱۳۸۷: ۵).

صنیع‌اجلال به برخی شاخص‌های فرهنگ سیاسی ایران در قالب مسائل مربوط به بعد اجتماعی هویت ملی اشاره کرده و آن‌ها را دربردارنده ضعف هویت جمعی و فقدان تعهدات تعمیم‌یافته، نارضایتی عمومی و احساس محرومیت نسبی و ضعف اعتماد یا بی‌اعتمادی اجتماعی و مواردی همچون تقدم مصالح فردی بر مصالح جمعی، ضعف در سازوکارهای مشارکتی (مشارکت فرد در جامعه)، نقصان و کاهش تعلق اجتماعی، تعهدات مشترک، اختلال در روابط و کاهش روابط اجتماعی گرم و سطح نازل همکاری و تعامل اجتماعی، و افزایش میزان بیگانگی و بی‌هویتی اجتماعی به‌ویژه در جوانان و نوجوانان برمی‌شمرد (صنیع‌اجلال، ۱۳۸۴: ۱۱۹-۱۱۷).

#### ۴. شبکه‌های اجتماعی

رسانه‌های دیجیتال، اخبار و اطلاعات را در اختیار مردم می‌گذارند و به آن‌ها اجازه می‌دهند تا دیدگاه‌های خود را با دیگران تبادل و آن‌ها را برای انجام فعالیت‌های عمومی ترغیب کنند (اشمارگاد و کلار<sup>۱</sup>، ۲۰۱۹). کاربران، اولویت‌های خود را از طریق پسندیدن، دوستان، و محتوایی که می‌فرستند، بیان می‌کنند و در معرض روایت‌هایی قرار می‌گیرند که اولویت‌هایشان را تقویت می‌کنند (دافی<sup>۲</sup>، ۲۰۱۸). این رسانه‌ها به سرعت استعدادهای گوناگون را با هم ادغام می‌کنند؛ از این رو، روش‌های گوناگون درک چگونگی تأثیر این برنامه‌ها بر ایجاد قالب‌ها، عملکردها، و پیوندها برای کشف روش‌های جدید تعامل سیاسی و شیوه‌های مدنی، مهم است

1. Shmargad & Klar  
2. Duffy

(گیلدزونینگا<sup>۱</sup>، ۲۰۱۹: ۳۶۶)، ضمن اینکه نباید از شناسایی انگیزه هر کاربر برای استفاده از رسانه‌های اجتماعی و توجه به جنبه روان‌شناختی، شامل ویژگی‌های شخصیتی، حالت‌های عاطفی، جنسیت، سن، یا برداشت‌ها و قضاوت‌های شخصی شکل گرفته در مورد تجربه فردی نیز غافل شد (مارینسکو<sup>۲</sup>، ۲۰۱۹: ۱۷).

شبکه‌های اجتماعی، بستری را فراهم کرده‌اند که افراد می‌توانند بسیاری از چیزهای زندگی خود را برپایه آن به‌اشتراک بگذارند. سیاست و نظردهی در مورد مسائل سیاسی نیز بخش عمده‌ای از زندگی فرد است؛ بنابراین، کاملاً قابل‌درک است که مردم، برخی از افکار و عقاید خود را در مورد برخی مسائل سیاسی-اجتماعی به‌اشتراک بگذارند (آندریوا<sup>۳</sup>، ۲۰۱۹: ۴۷) و اطلاعات ناشی از استفاده روزافزون از رسانه‌های اجتماعی، به‌عنوان یک بستر ارتباطی، می‌تواند نشان‌دهنده افزایش درگیری در زندگی سیاسی، به‌ویژه در جوانان، باشد (پالتز و همکاران<sup>۴</sup>، ۲۰۱۶: ۲۷۶).

همان‌گونه که کان و بویر<sup>۵</sup> (۲۰۱۸) ادعا کرده‌اند، شبکه‌های اجتماعی برخط ممکن است جوانان علاقه‌مند را در معرض بحث‌های سیاسی قرار دهند و آن‌ها را درگیر مسائل سیاسی کنند و ممکن است تحرک سیاسی را بیشتر کنند، زیرا بحث سیاسی برخط، امکان افزایش توانایی جوانان را به‌عنوان شهروند فراهم می‌کند و در نتیجه سبب مشارکت سیاسی بیشتر می‌شود. تئوچاریس<sup>۶</sup> (۲۰۱۴) نیز استدلال می‌کند که در قرن بیست‌ویکم، مشارکت سیاسی با شرکت در فعالیت‌های رسانه‌های اجتماعی‌ای مانند تویتر یا فیس‌بوک، دامنه خود را در بعد دیجیتال گسترش داده است.

تعاملات سیاسی‌ای که در جامعه انجام می‌شود، می‌تواند به‌دلیل ارتباط دیجیتالی بین رأی‌دهندگان واقعی و بازیگران سیاسی، از محیط برخط فراتر رود

1. Gil de Zúñiga
2. Marinescu
3. Andreeva
4. Paletz
5. Kahne and Bowyer
6. Theocharis

(تئوچاریس، ۲۰۱۴: ۳). هونسکا و باوکوویتس<sup>۱</sup> نیز یادآوری می‌کنند، رسانه‌های اجتماعی، تنها مسیری برای انتقال اخبار به مخاطبان نیستند. کاربران، اخبار را به اشتراک می‌گذارند، می‌فرستند، نظر می‌دهند، و می‌توانند به‌طور مستقیم با سیاستمداران و روزنامه‌نگاران در ارتباط باشند (هونسکا و باوکوویتس، ۲۰۱۷: ۲۷).

این ظرفیت‌ها سبب شده‌اند که شبکه‌های اجتماعی مجازی، به‌سبب داشتن ویژگی‌هایی چون تعاملی بودن، هم‌زمان بودن ارتباط، همه‌جایی بودن، نبود نظارت مرزی، نبود مالکیت بر شبکه، و سانسورگریزی، فضای مناسبی را برای بازآفرینی ابعاد از دست‌رفته مشارکت سیاسی و دموکراسی در جوامع پیشرفته و تقویت مردم‌سالاری در جوامع در حال توسعه به‌وجود آورند (بیژن و همکاران، ۱۳۹۸: ۳۹).

یکی از عواملی که بر تعداد کاربران این شبکه‌های اجتماعی مجازی و سطح کارکردی آن‌ها افزوده است، توسعه گوشی‌های هوشمند است؛ به‌گونه‌ای که پذیرش گوشی‌های هوشمند در جهان، از کمتر از ۱ درصد جمعیت در سال ۲۰۰۷، تا حدود ۱۰ درصد در سال ۲۰۱۲، نشان‌دهنده ده برابر شدن رشد آن طی پنج سال است و اگر سرعت پذیرش آن به همین شکل ادامه یابد، ۸۰ درصد اتصال به اینترنت در سال ۲۰۲۵، با گوشی‌های هوشمند خواهد بود (برت و همکاران، ۱۳۹۶: ۳۴)؛ گوشی‌هایی که سهم بسزایی از تعداد کاربران شبکه‌های اجتماعی را در جهان به‌خود اختصاص داده‌اند و در حال حاضر در ایران نیز توانسته‌اند کاربران زیادی را به‌ویژه در سه شبکه اینستاگرام، تلگرام، و واتساپ- جذب کنند.

اپلیکیشن اینستاگرام- که نامش از دوربین‌های کداک «اینستنت» اقتباس شده و گرام این واژه شباهتی به تلگرام و فوری بودن انتقال عکس‌ها دارد- کاربران را قادر می‌کند که عکس بگیرند و به‌سادگی به‌اشتراک بگذارند. تلگرام با ایجاد گروه‌های تلگرامی، محیطی را فراهم کرده است تا کاربران بتوانند به‌صورت چندسویه با یکدیگر ارتباط برقرار کنند؛ گروه‌هایی که در آخرین نسخه ارائه‌شده از سوی تلگرام می‌تواند تا ۱۰ هزار نفر عضو داشته باشد (رهبری، ۱۳۹۷: ۱۰۱-۱۰۰) و واتساپ- که نام آن برگرفته از لفظ انگلیسی «چه خبر؟»<sup>۲</sup> است- (دلاور و همکاران، ۱۳۹۸:

1. Hänska and Bauchowitz

2. What's up



۷) به‌عنوان یک پیام‌رسان محبوب جهانی، بیش از یک میلیارد کاربر در جهان و میلیون‌ها کاربر در ایران دارد.

به‌نظر می‌رسد، ظهور این شبکه‌های اجتماعی می‌تواند ابزار مفیدی برای به‌حرکت درآوردن باشد و امکان دهد که گروه‌های همفکر، حول مسائل مشترک موردعلاقه به یکدیگر پیوندند و به‌نظر فوکویاما، جباریت سلسله‌مراتبی دروازه‌بانان و کنترل‌کنندگان از هر نوع را براندازد و آنان دیگر نتوانند ماهیت اطلاعاتی را که میان مردم مبادله می‌شود، تعیین کنند (فوکویاما، ۱۳۹۸: ۱۹۰). ضمن اینکه ناهماهنگی اهداف و ارزش‌های موردپذیرش جامعه با ابزار و وسایل رسیدن به آن‌ها و برآورده نشدن نیازها، می‌تواند سبب شود که فرد در اهداف و ارزش‌ها، ابزار و وسایل، یا هردوی آن‌ها تردید کند و آن‌ها را کنار بگذارد. در این شرایط، چنانچه با کنار گذاشتن آن‌ها شاهد ظهور ارزش‌های جدیدی در جامعه باشیم، دگرگونی‌های اجتماعی و سیاسی جدیدی در انتظار جامعه خواهد بود (رهبری، ۱۳۹۷: ۵۱-۵۲). فناوری ارتباطی مدرن و رسانه‌های اجتماعی، تغییرات اجتماعی موجود را نیز ژرف‌تر کرده‌اند، زیرا این امکان را فراهم کرده‌اند که افراد همفکر که دور از هم زندگی می‌کنند، با یکدیگر ارتباط داشته باشند؛ در چنین جهان تجربه‌های زیسته‌ای، شمار هویت‌ها به‌صورت تصاعدی افزایش می‌یابد و آنچه به‌سرعت زودده می‌شود، امکان تجربه از نوع کهنه و تبادل دیدگاه‌ها و تجربه‌های فراتر از مرزهای گروهی است (فوکویاما، ۱۳۹۸: ۱۲۱).

سیاستمداران نیز اهمیت رسانه‌های اجتماعی را درک کرده‌اند و بسیاری از آن‌ها سعی دارند از رسانه‌های اجتماعی به‌نفع خود، تبلیغ سیاست‌های خود، و گردآوری پیروان و رأی‌دهندگان جدید استفاده کنند (اندریوا<sup>۱</sup>، ۲۰۱۹: ۴۵)، ضمن اینکه عقایدی که احساس نگرانی‌ها، ترس‌ها، امیدها، و رنج‌های شهروندان را دربر گیرند، می‌توانند اطلاعات مهم و جدید را به‌گونه‌ای مؤثرتر در راستای انتخاب سیاست‌ها برای آن‌ها فراهم کنند (گرابه<sup>۲</sup>، ۲۰۱۵).

شبکه‌های یادشده، این امکان را برای حکومت‌ها فراهم می‌کنند که شاکله

1. Andreeva
2. Grabbe

قدرت از بالا به پایین را در پوشش نمایش افقی شده از قدرت ببوشانند و مقبولیت اجتماعی‌شان را تجدید کنند؛ این امکان می‌تواند با گسترش خدمات عمومی مجازی‌شده و رفاه‌نمایی سریع آن، افزایش یابد. البته آنچه رخ می‌دهد، واسطه‌زدایی سیاسی از قدرت نیست، بلکه شهروندان بر این باورند که اکنون، قدرت از حالت متمرکز و عمودی خود خارج شده و در نزدیک‌ترین موقعیت به آن‌ها قرار گرفته است؛ حال آنکه این تصویری کاذب و غیرواقعی است، زیرا در فضای مجازی، به تعبیری، اصلاً روشن نیست که واسطه‌ها در کجا قرار دارند و واسطه اصلی کیست؟ شبکه با همه سازوکارهای قدرت‌یابی خود که بنا بر منطق در چارچوب‌های حاکمیتی محلی قرار داده نمی‌شود. واسطه ناپیدایی است که تسلط اندکی بر آن وجود دارد و رمز بقای آن، گسترده شدن تارهای عنکبوتی‌اش است. در اینجا یک منطق دوری شکل می‌گیرد: شبکه، هر لحظه کاربر شهروند را به خود مشغول‌تر و وابسته‌تر می‌کند و کاربر شهروند نیز تجلی رهایی و سرگرم‌شدگی خود را در آن می‌بیند و آنچه فراموش می‌شود، منطق واسطه‌گری و دستیابی شهروندان به قدرتمندان است. تجلی این دور منطقی را در بازتولید هر روزه مصرف‌محوری در فضای مجازی می‌توان دید (مهدی‌پور، ۱۳۹۶: ۱۳۸).

البته برخی چون کاستلر بر این نظرند که هرچه مردم بیشتر از اینترنت استفاده کنند، درجه خودمختاری‌شان بیشتر می‌شود؛ در واقع، دور مؤثری بین فناوری‌های آزاد و مبارزه با آزاد کردن ذهن‌ها از چارچوب‌های سلطه وجود دارد (رهبری، ۱۳۹۷: ۱۳۹)، زیرا مردم را بیشتر مستعد می‌کند تا در همه بحث‌های مهم مربوط به سیاست شرکت کنند و همچنین، در مورد موضوع‌های گوناگون نظر بدهند. آنچه بسیار مهم است، این است که فرهنگ سیاسی، به‌ویژه در زمینه نحوه درک مردم از نقش خود در جامعه، تغییر چشمگیری می‌کند و قدرت افراد جامعه از نقش‌های کاملاً انتخاباتی به شکل‌های غیرنهادی فرهنگ سیاسی جدید تغییر می‌کند (اندریوا، ۲۰۱۹: ۴۹).

## ۵. روش پژوهش

در این پژوهش، به منظور دستیابی به مؤلفه‌ها و شاخص‌های فرهنگ سیاسی ایران،

از روش دلفی<sup>۱</sup> بهره گرفته شده است؛ دلفی، نوعی رویکرد یا روش نظام‌مند در پژوهش برای استخراج دیدگاه‌های گروهی از متخصصان در مورد یک موضوع است. روش دلفی در این پژوهش در سه گام انجام شده است: هدف گام نخست، آشکارسازی مؤلفه‌ها و شاخص‌ها است؛ در این بخش، افزون‌بر استفاده از متون و ادبیات موجود، برای استفاده از دیدگاه‌های صاحب‌نظران (شامل استادان و اعضای هیئت علمی رشته‌های علوم سیاسی، جامعه‌شناسی، و تاریخ دانشگاه‌های کشور) یک پرسش‌نامه باز برای ۳۸۳ نفر از اعضای هیئت علمی دانشگاه‌های سراسر کشور فرستاده شد.

در گام دوم، با کنار هم گذاشتن دیدگاه‌های استادان، پرسش‌نامه بسته‌ای طراحی، و از ۱۰۶ نفر از استادان و دانشجویان دکترای رشته‌های علوم انسانی ۲ دانشگاه در تهران (دانشگاه آزاد و دانشگاه علامه) و ۳ دانشگاه در شهرستان‌ها (اهواز، کرمانشاه، و خرم‌آباد) که به‌گونه‌ای تصادفی انتخاب شده بودند، درخواست شد تا هر عنوان را با استفاده از مقیاس لیکرت<sup>۲</sup>، رتبه‌بندی و به‌عبارتی، کمیت‌پذیر کنند و در گام سوم، تیم نخبگی (دربردارنده تعدادی از پژوهشگران مرتبط با موضوع) مهم‌ترین و دقیق‌ترین شاخص‌ها را مشخص کردند.

## ۶. یافته‌های پژوهش

براساس یافته‌های گام دوم، از بین مؤلفه‌های مطرح‌شده توسط استادان در گام نخست، مؤلفه‌های مطلق‌گرایی فکری (در برابر نسبی‌گرایی فکری)، نقد نظام سیاسی، بی‌اعتمادی، بیگانگی‌ستیزی، رفتارهای فراقانونی، خودمداری، افراط‌گرایی، و غالب بودن ارزش‌های دینی، برای فرهنگ سیاسی تأیید، و شاخص‌های هریک به‌شرح جدول شماره (۱) توسط پاسخ‌دهندگان ارزش‌گذاری شد.

1. Delphi
2. Likert

جدول شماره (۱). ارزش‌گذاری شاخص‌های فرهنگ سیاسی

مؤلفه‌ها	شاخص‌ها	درصد سنجش مؤلفه با این شاخص				
		خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم
مطلق‌گرایی فکری (در برابر نسبی‌گرایی فکری)	تنها درست پنداشتن اندیشه خود در مباحث سیاسی	۲۶/۴	۵۰/۹	۱۷	۱/۹	۳/۸
	فرصت ندادن به بروز فکر و اندیشه همه مردم با هر گرایش سیاسی	۲۶/۴	۳۷/۷	۱۷	۱۳/۲	۳/۸
	یکدیگر را قبول نداشتن	۳۵/۸	۳۹/۶	۱۷	۳/۸	۱/۹
	باور به حذف اندیشه‌های مخالف	۲۸/۳	۴۷/۲	۱۳/۲	۷/۵	۱/۹
	آمادگی ذهنی برای تخریب نهادهای دموکراتیک	۲۶/۴	۳۷/۷	۲۶/۴	۵/۷	۳/۸
نقد نظام سیاسی	انتقاد از افراد شاخص سیاسی در قدرت	۵۶/۶	۳۰/۲	۵/۷	۳/۸	۳/۸
	انتشار کلیپ‌های فعالان سیاسی مخالف دولت	۲۶/۴	۴۵/۳	۱۷	۹/۴	۱/۹
	هزل و شوخی با مسئولان	۱۸/۹	۴۵/۳	۲۶/۴	۹/۴	-
	نقد سخنان مسئولان	۴۱/۵	۴۱/۵	۵/۷	۱۱/۳	-
	نقد سیاست‌های دولت	۴۷/۲	۳۰/۲	۱۱/۳	۹/۴	۱/۹
بی‌اعتمادی	دشواری همکاری‌های پیچیده بین افراد جامعه	۲۶/۴	۵۶/۶	۱۳/۲	۱/۹	-
	توجه بیشتر به انگیزه‌های منفی کنشگران اجتماعی	۲۶/۴	۴۷/۲	۲۰/۸	۱/۹	۳/۸
	فقدان احساس امنیت اجتماعی	۳۲/۱	۳۴	۲۸/۳	۱/۹	۳/۸
	نگرانی از محیط اجتماعی	۲۶/۴	۴۲/۴	۲۴/۵	۵/۷	-
	محدود کردن ارتباط عاطفی به حلقه‌ای بسته و درونی	۲۴/۵	۴۱/۵	۲۴/۵	۹/۴	-
بیگانگی‌ستیزی	نپذیرفتن تفاوت فکری و فرهنگی بیگانگان	۲۶/۴	۳۷/۷	۲۸/۳	۵/۷	۱/۹
	ترس از بیگانگان	۱۵/۱	۳۷/۷	۳۴	۵/۷	۳/۸
	غلبه اندیشه حضور دست‌های پنهان بیگانگان در تمام توطئه‌ها	۲۲/۶	۳۹/۶	۲۲/۶	۹/۴	۳/۸
	بیگانگان را عامل تهدید و ناامنی دانستن	۲۷/۴	۳۸/۷	۲۴/۳	۵/۸	۳/۸
	زیرسؤال بردن ارزش‌های غربی براساس خواستگاه آن ارزش‌ها	۱۱/۳	۳۴	۴۱/۵	۱۱/۳	۱/۹
	ضرورت رصد دائمی فعالیت‌های بیگانگان	۲۴/۵	۳۵/۸	۲۲/۶	۱۳/۲	۳/۸
	فقدان همزیستی بازیگران سیاسی همراه با رقابت سالم	۲۸/۳	۵۸/۵	۷/۵	۱/۹	۱/۹
فرق‌انگیزی	باور نداشتن به حل‌وفصل مسائل با استفاده از ضوابط قانونی	۲۶/۴	۴۵/۳	۱۸/۹	۳/۸	۱/۹
	نهادی رفتار نکردن	۳۴	۵۲/۸	۹/۴	۱/۹	-

۱/۹	۱/۹	۵/۷	۲۰/۸	۳۴/۵	۴۵/۳	برتری تملق بر استدلال	
۱/۹	۱/۹	-	۱۳/۲	۵۶/۶	۲۶/۴	برتری فرهنگ قوم‌گرایی	
۱/۹	۳/۸	۵/۷	۱۳/۲	۴۷/۲	۲۸/۳	انحصاری کردن ارائه تفسیر نهایی از مواد قانونی	
۱/۹	۵/۷	-	۱۸/۹	۴۹/۱	۳۴/۵	توجه به گوینده به‌جای گفته	
۳/۸	۱/۹	۹/۴	۱۱/۳	۴۷/۲	۲۶/۴	تمایل به حرکت توده‌وار	
۱/۹	-	۷/۵	۱۷	۵۰/۹	۲۲/۶	کاهش اعتبار هویت فردی	
۱/۹	۱/۹	۱/۹	۱۳/۲	۴۷/۲	۳۴	برتری جنبه‌های عاطفی و احساسی بر عقل و تفکر منطقی	
۱/۹	۳/۱	۵/۷	۱/۹	۳۰/۲	۵۴/۷	تأثیر نپذیرفتن از تصمیم‌ها، اعمال، و کنش‌های دیگران	
۳/۸	۳/۸	۵/۷	۹/۴	۲۲/۶	۵۴/۷	ترجیح مصالح فردی بر مصالح جمعی	
۳/۸	۱/۹	-	۷/۵	۴۲/۴	۴۲/۴	مسئول نبودن فرد در قبال فرد دیگر، جامعه، و اخلاق مدنی	
۱/۹	-	۷/۵	۱۵/۱	۵۰/۹	۲۴/۵	باور نداشتن به مشارکت و همکاری گروهی	
۱/۹	-	۵/۷	۲۴/۵	۴۲/۴	۲۴/۵	یکی دانستن فردیت با منیت	
۱/۹	۱/۹	۹/۴	۲۲/۶	۳۷/۷	۲۶/۴	اعتقاد به برگزیدگی	
۳/۸	-	۱۱/۳	۱۵/۱	۳۷/۷	۳۲/۱	عدم استقبال از فعالیت‌های دسته‌جمعی سازمان‌یافته	
-	۳/۸	۵/۷	۱۷	۴۲/۴	۳۰/۲	اعتقاد به اختیارات تام حاکمان	
۱/۹	۳/۸	۵/۷	۱۳/۲	۴۲/۴	۳۲/۱	قائل نشدن هیچ‌گونه حقانیتی برای مخالفان	
-	۱/۹	۹/۴	۲۰/۸	۴۵/۳	۲۲/۶	بالرزش شمردن اندیشه‌ها، باورها و آرمان‌های باثبات و بدون تغییر	افراط‌گرایی
۱/۹	-	۹/۴	۱۳/۲	۴۱/۵	۳۴	برچسب‌زنی اتهامی برای مرعوب کردن مخالفان	
-	-	۷/۵	۲۴/۵	۴۷/۲	۲۰/۸	دشواری در جمع زدن میان امور مختلف زندگی (اعتدال)	
۱/۹	۱/۹	۳/۸	۱۳/۲	۵۲/۸	۲۶/۴	استفاده از پرخاش به‌جای دلیل	
۱/۹	۱/۹	۳/۸	۱۱/۳	۴۱/۵	۳۹/۶	امور را سیاه و سفید دیدن	
-	۳/۸	۱/۹	۱۷	۴۱/۵	۳۵/۸	درونی شدن انگاره‌های فرهنگ ارزشی در ساخت شخصیت کنشگران	
-	۱/۹	۱/۹	۲۴/۵	۴۱/۵	۳۰/۲	نیروهای مذهبی را عامل شکل‌گیری همه حوادث تاریخی دانستن	
-	۵/۷	۷/۵	۹/۴	۴۹/۱	۲۸/۳	ارزش‌های اجتماعی برگرفته از ارزش‌های دینی	
۱/۹	-	۵/۷	۱۷	۵۲/۸	۲۲/۶	سیاست‌زدگی ارزش‌ها و منابع و مآخذ معرفتی-دینی	غالب بودن ارزش‌های دینی
۱/۹	۳/۸	۳/۹	۱۸/۸	۴۵/۲	۲۶/۵	برتری تعهد دینی نسبت بر تخصص برای مسئولان	
-	۱/۹	۱۳/۲	۱۸/۹	۴۱/۵	۲۴/۵	روحیه آرمان‌خواهی و منجی‌گرایی	

در گام سوم - که نتیجه استفاده از دیدگاه‌های تیم نخبگی برای اجماع در مورد تعیین دقیق‌ترین و مهم‌ترین شاخص‌ها بود - برای هر مؤلفه، مهم‌ترین و دقیق‌ترین شاخص‌ها به شرح زیر تعیین شدند.

جدول شماره (۲). مهم‌ترین شاخص‌های فرهنگ سیاسی

مؤلفه	مهم‌ترین شاخص‌ها
مطلق‌گرایی فکری	تنها درست پنداشتن اندیشه خود در مباحث سیاسی
	اعتقاد نداشتن به فرصت برابر بروز فکر و اندیشه همه مردم با هر گرایش سیاسی
	باور به حذف اندیشه‌های مخالف
نقد نظام سیاسی	انتقاد از افراد شاخص سیاسی در قدرت
	انتشار کلیپ‌های فعالان سیاسی مخالف دولت
	نقد سیاست‌های دولت
بی‌اعتمادی	توجه بیشتر به انگیزه‌های منفی کنشگران اجتماعی
	فقدان احساس امنیت اجتماعی
	محدود کردن ارتباط عاطفی به حلقه‌ای بسته و درونی (خانواده، دوستان یا آشنایان خود)
بیگانه‌ستیزی	نپذیرفتن تفاوت فکری و فرهنگی بیگانگان
	ضرورت رصد دائمی فعالیت‌های بیگانگان
	بیگانگان، عامل تهدید و ناامنی
رفتارهای فراقانونی	باور نداشتن به حل‌وفصل مسائل با استفاده از ضوابط قانونی
	توجه به گوینده به جای گفته
	برتری تملق بر استدلال، و برتری جنبه‌های عاطفی و احساسی نسبت به عقل و تفکر منطقی و استدلالی
خودمداری	تأثیر نپذیرفتن از تصمیم‌ها، اعمال، و کنش‌های دیگران
	باور نداشتن به مشارکت و همکاری گروهی
	ترجیح مصالح فردی بر مصالح جمعی
افراط‌گرایی	یکی دانستن فردیت با منیت
	باززش شمردن اندیشه‌ها، باورها، و آرمان‌های باثبات و بدون تغییر
	استفاده از پرخاش به جای دلیل
غالب بودن ارزش‌های دینی	امور را سیاه و سفید دیدن
	برتری تعهد دینی بر تخصص برای مسئولان
	ارزش‌های اجتماعی برگرفته از ارزش‌های دینی
	نیروهای مذهبی، عامل شکل‌گیری همه رخداد‌های تاریخی

جمع‌بندی دیدگاه‌های نخبگان دانشگاهی در جدول‌های بالا نشان می‌دهد که هشت مؤلفه را می‌توان مؤلفه‌های فرهنگ سیاسی ایرانیان در عصر شبکه‌های اجتماعی دانست که به ترتیب اهمیت عبارتند از: خودمداری، نقد نظام سیاسی، افراط‌گرایی، غالب بودن ارزش‌های دینی، مطلق‌گرایی فکری، رفتارهای فراقانونی، بی‌اعتمادی و بیگانه‌ستیزی. در هریک از این مؤلفه‌ها، یک شاخص نسبت به بقیه شاخص‌ها

برجستگی دارد؛ در مؤلفه خودمداری، «تأثیر نپذیرفتن از تصمیم‌ها، اعمال، و کنش‌های دیگران»، در مؤلفه نقد نظام سیاسی، «انتقاد از افراد شاخص سیاسی در قدرت»، در مؤلفه افراط‌گرایی، «امور را سیاه و سفید دیدن»، در مؤلفه غالب بودن ارزش‌های دینی، «برگرفته شدن ارزش‌های اجتماعی از ارزش‌های دینی»، در مؤلفه مطلق‌گرایی فکری، «تنها، درست پنداشتن اندیشه خود در مباحث سیاسی»، در مؤلفه رفتارهای فراقانونی، «توجه به گوینده به‌جای گفته»، در مؤلفه بی‌اعتمادی، «توجه بیشتر به انگیزه‌های منفی کنشگران اجتماعی»، و در مؤلفه بیگانه‌ستیزی، «بیگانگان را عامل تهدید و ناامنی دانستن».

با نگاهی به این داده‌ها می‌توان دریافت که با وجود ظرفیت‌های ارتباطی، تعاملی، و مشارکتی شبکه‌های اجتماعی به‌عنوان ابزار دنیای نوین که بر تساهل و مدارا تکیه دارد، همچنان خودمداری، برجسته‌ترین مؤلفه فرهنگ سیاسی است و ایرانیان از تصمیم‌ها، اعمال، و کنش‌های دیگران تأثیر چندانی نمی‌پذیرند؛ در مؤلفه افراط‌گرایی، همچنان ایرانیان امور را سیاه و سفید می‌بینند و همسو با پژوهش دلاوری و قاسمی میمندی (۱۳۹۸) اعتقادات دینی، همچنان نقش مهمی در زندگی ایرانیان ایفا می‌کند و ارزش‌های اجتماعی، برگرفته از ارزش‌های دینی است. همچنان مطلق‌گرایی فکری حاکم است و ایرانیان، تنها اندیشه خود را در مباحث سیاسی درست می‌پندارند. رفتارهای فراقانونی اهمیت بیشتری دارد و به گوینده توجه بیشتری می‌شود تا به گفته. در واقع، این شبکه‌ها تأثیر چندانی بر ایجاد اعتماد نداشته‌اند، زیرا بیشتر ایرانیان به انگیزه‌های منفی کنشگران اجتماعی توجه می‌کنند و همچنان بیگانگان را عامل تهدید و ناامنی می‌دانند و در مؤلفه نقد نظام سیاسی نیز به‌جای نقد سیاست‌ها، افراد شاخص سیاسی در قدرت نقد می‌شوند.

### نتیجه‌گیری

شبکه‌های اجتماعی، به‌عنوان یکی از عناصر فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطاتی، هم‌شکل‌دهنده و هم‌شکل‌پذیرند؛ بنابراین، کنش متقابل با پدیده‌های فرهنگی اجتماعی دارند. اما از آنجاکه خاورمیانه به‌طور عام، هنوز به‌قول تسودور

روزاک<sup>۱</sup> به عصر «مردم‌گرایی الکترونیکی»<sup>۲</sup> نرسیده است تا از فناوری اطلاعات مانند بستری برای دگرگونی اجتماعی و سیاسی استفاده کند و انسان ایرانی نیز به‌طور خاص، به‌گونه‌ای فزاینده در مسیر تأثیرات ژرف جهان اطلاعاتی قرار گرفته که در مهندسی آن نقش چندانی نداشته است، برتری شکل‌دهندگی این شبکه‌ها به فضای فرهنگی و اجتماعی ایران، دور از ذهن نخواهد بود و این فضا با خدشه‌دار کردن نظام معنایی و ارزشی مسلط بر ساختار کنش و مبانی فرهنگی جامعه می‌تواند جامعه ایرانی را به‌چالش بطلبد.

یکی از اجزای مبانی فرهنگی جامعه ایرانی، فرهنگ سیاسی است که با ابعاد گوناگون زیست اجتماعی و فرهنگی ایرانیان پیوند خورده و می‌تواند یکی از جنبه‌های تأثیرپذیرفته از فضای شکل‌گیری شبکه‌های اجتماعی، به‌ویژه سه شبکه پرکاربرد اینستاگرام، واتساپ، و تلگرام، باشد. فرهنگ سیاسی ایرانیان از گذشته با تأثیرپذیری از عوامل گوناگون تاریخی با تغییراتی روبه‌رو شده است که پس از سال‌ها، آثار برخی توسعه‌یافتگی‌ها و عقب‌ماندگی‌های ناشی از آن تغییرات را می‌توان مشاهده کرد؛ بنابراین، از آنجاکه آثار این تغییرات در بلندمدت مشخص می‌شود، ضروری است که از هم‌اکنون به مؤلفه‌ها و شاخص‌های این فرهنگ متأثر از جدیدترین پدیده ارتباطی قرن (شبکه‌های اجتماعی) توجه کنیم تا بتوانیم رفتار هوشیارانه‌تری با پیامدهای آن در سال‌های آتی داشته باشیم.

پژوهش حاضر به روش دلفی و با استفاده از دیدگاه‌های صاحب‌نظرانی که به‌سبب ارتباط علمی با جامعه، شناخت نسبتاً مناسب‌تری از فضای فرهنگی، اجتماعی، و سیاسی جامعه ایرانی داشته و خود نیز تجربه بهره‌برداری از شبکه‌های اجتماعی را دارند، به این نتیجه رسیده است که تعداد زیادی از مؤلفه‌های فرهنگ سیاسی ایرانیان در بستر شبکه‌های اجتماعی بازتولید شده و اگرچه در مصداق، تفاوت‌هایی ایجاد شده است، این مؤلفه‌ها همچنان در فرهنگ سیاسی ایرانیان خودنمایی می‌کنند. به‌نظر پاسخ‌دهندگان، مهم‌ترین مؤلفه فرهنگ سیاسی ایرانیان در زمان کنونی، «خودمداری» است که در پژوهش مصلی‌نژاد (۱۳۸۷)، محمدی اصل

1. Theodore Roszak
2. Electronic Populism



(۱۳۹۰)، شریف (۱۳۸۱)، و بشیریه و اسگویی (۱۳۹۰) بررسی شده است. مؤلفه «افراط‌گرایی»، در پژوهش‌های مصلی‌نژاد (۱۳۸۷) و اخوان کاظمی (۱۳۸۶) مورد توجه بوده و مؤلفه «غالب بودن ارزش‌های دینی» با ادبیات متفاوتی در پژوهش‌های قیصری (۱۳۸۸)، ربانی و شایگان‌فر (۱۳۸۹)، بشیریه (۱۳۸۴)، جمال‌اسگویی (۱۳۹۰)، و مصلی‌نژاد (۱۳۸۷) قابل مشاهده است.

مؤلفه «مطلق‌گرایی فکری» در پژوهش‌های اخوان کاظمی (۱۳۸۶) و امینی و خسروی (۱۳۸۹) و مؤلفه «رفتارهای فراقانونی» در پژوهش‌های محمدی‌اصل (۱۳۹۰)، بشیریه (۱۳۸۴)، مک‌کلند (جعفرپور کلوری، ۱۳۸۹) آمده و در پژوهش‌های قیصری (۱۳۸۸)، ربانی و شایگان‌فر (۱۳۸۹)، محمدی‌اصل (۱۳۹۰)، اخوان کاظمی (۱۳۸۹)، ماروین زونیس و مک‌کلند (جعفرپور کلوری، ۱۳۸۹)، زیباکلام (شریف، ۱۳۸۱)، آر.دی گاستیل و بشیریه (۱۳۸۴)، مصلی‌نژاد (۱۳۸۷)، و صنیع اجلال (۱۳۸۴) به مؤلفه «بی‌اعتمادی» اشاره شده است. مؤلفه «بیگانه‌ستیزی» را نیز می‌توان در پژوهش‌های قیصری (۱۳۸۸)، ربانی و شایگان‌فر (۱۳۸۹)، مصلی‌نژاد (۱۳۸۷)، و صنیع اجلال (۱۳۸۴) مشاهده کرد.

از بین مؤلفه‌های فرهنگ سیاسی ایرانیان، «نقد نظام سیاسی»، از مؤلفه‌هایی است که در هیچ‌یک از پژوهش‌های انجام‌شده به آن اشاره نشده است؛ به بیان روشن‌تر، هرچند برخی مؤلفه‌های تاریخی فرهنگ سیاسی ایران، همچون مطلق‌گرایی فکری، بی‌اعتمادی، بیگانه‌ستیزی، رفتارهای فراقانونی، خودمداری، افراط‌گرایی، و غالب بودن ارزش‌های دینی، کمتر از شبکه‌های اجتماعی تأثیر پذیرفته‌اند، شاخص‌هایی چون انتقاد از افراد شاخص سیاسی در قدرت، انتشار کلیپ‌های فعالان سیاسی مخالف دولت، و نقد سیاست‌های دولت در قالب مؤلفه «نقد نظام سیاسی»، در فرهنگ سیاسی ایرانیان خودنمایی می‌کند؛ بنابراین، لازم است با کارهای زیر از این فضا به گونه‌ای مناسب‌تر در راستای تأثیرگذاری بر فرهنگ سیاسی ایران، به ویژه «نقد نظام سیاسی»، بهره‌برداری شود:

۱. حضور پررنگ‌تر دست‌اندرکاران مدیریت کشور در شبکه‌های اجتماعی و برقراری ارتباط تعاملی با مردم، به جای استفاده از این شبکه‌ها به گونه‌ای یک‌سویه و به شکل رسانه‌های سنتی؛

۲. فراهم کردن فضایی برای انتقاد سیاسی-اجتماعی از مدیران و مسئولان کشور در شبکه‌های اجتماعی و استقبال از نقدهای سازنده؛
۳. قانونمند کردن انتشار کلیپ‌های سیاسی با سانسور هدفمند و تدوین قوانین مرتبط و شفاف‌سازی در مورد آن‌ها؛
۴. استفاده درست از شبکه‌های اجتماعی توسط نخبگان سیاسی و اجتماعی کشور برای فرهنگ‌سازی درباره انتقاد از سیاست‌های جاری\*



## منابع

- اخوان کاظمی، بهرام (۱۳۸۶)، «بررسی تعاملات فرهنگ سیاسی و تحزب در ایران»، پژوهشنامه علوم سیاسی، سال دوم، شماره چهارم.
- اسکات، آلن (۱۳۸۸)، فرهنگ سیاسی و جنبش‌های اجتماعی، ترجمه رامین کریمیان، تهران: انتشارات آگه.
- اسماعیلی، حمیدرضا (۱۳۹۰)، انقلاب و فرهنگ سیاسی ایران، تهران: انتشارات سوره مهر.
- افروغ، عماد (۱۳۸۷)، هویت ایرانی و حقوق فرهنگی، تهران: انتشارات سوره مهر.
- امینی، علی‌اکبر و خسروی، محمدعلی (۱۳۸۹)، «تأثیر فرهنگ سیاسی بر مشارکت سیاسی زنان و دانشجویان»، فصلنامه مطالعات سیاسی، سال دوم، شماره ۷.
- برت، دیوید؛ کلایزر، آرون؛ نیکولاس، جی. پل؛ سولیوان، کوین (۱۳۹۶)، فضای سایبر ۲۰۲۵؛ تصمیمات امروز، بستر فردا (هدایت آینده سیاست و الزامات امنیت سایبر)، ترجمه احسان کیان‌خواه، تهران: سروش.
- بروگمن، یرون (۱۳۹۳)، درآمدی بر شبکه‌های اجتماعی، ترجمه خلیل میرزایی، چاپ دوم، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.
- بشیریه، حسین (۱۳۸۴)، موانع توسعه سیاسی در ایران، چاپ پنجم، تهران: گام نو.
- بهشتی، محمدحسین (۱۳۷۹)، تأثیر ساختار سیاسی بر فرهنگ سیاسی (دوره صفویه)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه باقرالعلوم.
- بیژن، عارف؛ اعجازی، احسان؛ لکزی، مهدی (۱۳۹۸)، «واکاوی میزان تأثیرگذاری شبکه‌های اجتماعی بر مشارکت سیاسی (مطالعه موردی ایران و روسیه در سال‌های ۲۰۲۰-۲۰۱۰)»، پژوهشنامه علوم سیاسی، سال ۱۴.
- جعفرپور کلوری، رشید (۱۳۸۹)، فرهنگ سیاسی در ایران، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- جمالی‌اسگویی، سیدجمال (۱۳۹۰)، بررسی تأثیر نهضت مشروطیت بر فرهنگ سیاسی ایرانیان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد، واحد تهران مرکز.
- حاجی یوسفی، امیرمحمد؛ طالبی، محمدعلی (۱۳۹۵)، «موانع مشارکت در چالش میان فرهنگ سیاسی و حکمرانی خوب از دید مدیران ارشد دولت جمهوری اسلامی ایران»، پژوهشنامه علوم سیاسی، سال ۱۲.
- حسینی، سیدمجید (۱۳۹۱)، «فیلم، معنا، و تحول در فرهنگ سیاسی»، فصلنامه سیاست، دوره ۴۲، شماره ۱.

- خان‌محمدی، یوسف (۱۳۹۲)، فرهنگ سیاسی و رفتار انتخاباتی، تهران: انتشارات خرسندی.
- دلاور، علی؛ فرهنگی، علی‌اکبر؛ کریمی، بهزاد (۱۳۹۸)، «واتساپ و تجربه زیسته کاربرانش (مورد مطالعه: جوانان بزرگسال شهر تهران)»، رسانه، شماره ۱۶.
- دلآوری، ابوالفضل؛ قاسمی میمندی، الهام (۱۳۹۸)، «منازعه سیاسی، سیاست فرهنگی، و فرهنگ عامه در ایران پس از انقلاب (با تمرکز بر سیاست موسیقی)»، پژوهشنامه علوم سیاسی، سال ۱۵، شماره نخست.
- ربانی، علی؛ شایگان‌فر، فرهاد (۱۳۸۹)، «فرهنگ سیاسی ایران و مؤلفه‌هایش»، فصلنامه سیاست، شماره ۴.
- رضایی، علی‌اکبر؛ زهره‌ای، محمدعلی (۱۳۹۰)، دیپلماسی فرهنگی؛ نقش فرهنگ در سیاست خارجی و ارائه مدل راهبردی، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.
- رهبری، محمد (۱۳۹۷)، شبکه‌های اجتماعی مجازی و آنومی‌های نوظهور در ایران، تهران: انتشارات کویر.
- ساعی، علی؛ کریمی، زهیر (۱۳۹۱)، «تحلیل فرهنگ سیاسی نخبگان سیاسی اصلاح طلب و اصول‌گرا»، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره سیزدهم، شماره ۴.
- سریع‌القلم، محمود (۱۳۸۶)، فرهنگ سیاسی ایران، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- شریف، محمدرضا (۱۳۸۱)، انقلاب آرام؛ درآمدی بر تحول فرهنگ سیاسی در ایران، تهران: انتشارات روزنه.
- صادقی‌زاده، سلمان (۱۳۹۳)، «جهانی‌شدن، دیالکتیک واهمگرایی و فرهنگ سیاسی مصر و ایران»، رساله دکتری دانشگاه تهران.
- صنیع‌اجلال، مریم (۱۳۸۴)، درآمدی بر فرهنگ و هویت ایرانی، تهران: انتشارات تمدن ایرانی.
- علم، محمدرضا (۱۳۸۷)، سهم فرهنگ سیاسی ایران در ناپایداری احزاب، تهران: انتشارات نیک‌فرجام.
- فوکویاما، فرانسیس (۱۳۹۸)، هویت در سیاست جهان معاصر، ترجمه ابراهیم افشار زنجانی، تهران: انتشارات کویر.
- قیصری، نورالله (۱۳۷۴)، «علل نفوذپذیری فرهنگ سیاسی ایران از غرب (در دوران انقلاب مشروطیت تا انقلاب اسلامی)»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تربیت مدرس.
- قیصری، نورالله (۱۳۸۸)، نخبگان و تحول فرهنگ سیاسی در ایران دوره قاجار، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- گل‌محمدی، احمد (۱۳۹۴)، درآمدی بر شناخت و سنجش فرهنگ سیاسی، تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی.
- محمدی اصل، عباس (۱۳۹۰)، گنج رایگان؛ درآمدی بر جامعه‌شناسی ایران امروز، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.
- مصلی‌نژاد، عباس (۱۳۸۷)، فرهنگ سیاسی ایران، چاپ دوم، تهران: فرهنگ صبا.

مصلى نژاد، عباس (۱۳۸۸)، «واکاوی فرهنگ سیاسی در ایران معاصر براساس تئوری انتقادی»، فصلنامه مطالعات سیاسی، سال دوم، شماره ۵.  
 مظفری پور، زهرا (۱۳۹۰)، «دولت رانتیر و بازتولید فرهنگ سیاسی تبعی؛ مطالعه موردی دولت پهلوی (۱۳۵۷-۱۳۴۲)»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه فردوسی مشهد.  
 مظلوم خداهشهری، مهدی؛ نوری، هادی؛ غلامی، محمدرضا؛ علیزاده، رضا (۱۳۹۹)، «بررسی رابطه توسعه اجتماعی و فرهنگ سیاسی در جامعه ایران»، پژوهشنامه علوم سیاسی، سال ۱۵، شماره ۳.  
 موسوی، سیدسعید (۱۳۸۹)، «تأثیر جهانی شدن بر فرهنگ سیاسی جمهوری اسلامی ایران»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه اصفهان.  
 مهدی پور، فرشاد (۱۳۹۶)، ما و مسائل فضای مجازی، تهران: سروش.  
 نقیب زاده، احمد (۱۳۸۰)، تأثیر فرهنگ ملی بر رفتار سیاسی ایرانیان، تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران.  
 مردیها، مرتضی (۱۳۹۷)، «نقش توسعه اقتصادی در تحول فرهنگی؛ عصر پساجنگ در ایران»، پژوهشنامه علوم سیاسی، سال ۱۳، شماره ۲.

Andreeva, M. (2019), "(Re) Shaping Political Culture and Participation through Social Networks", *Journal of Liberty and International Affairs*, 5(2), 43-54.  
 Cartocci, R. (2011), "Political Culture", *International Encyclopedia of Political Science*, 1968-1979, LOS ANGELES: Sage.  
 Chekunova, Marina A., Victor V. Barabash, Galina N. Trofimova and Galina N. Lenko (2016), "New Media in Political Communication: General Approaches", *SHS Web of Conferences 29 EEIA 2016*, Published by EDP Sciences.  
 Duffy, R., (2018), *The Perils of Perception*, London: Atlantic Books.  
 Zúñiga, Gil de, Homero & Hsuan-Ting Chen Guest (Editors) (2019), "Digital Mediaand Politics: Effects of the Great Information and Communication Divides", *Journal of Broadcasting & Electronic Media*.  
 Grabbe, H., Lehne, S. (2015), *Emotional Intelligence for EU Democracy*, Carnegie Europe, Brussels.  
 Hänska, Max and Bauchowitz, Stefan (2017), "Tweeting for Brexit: How Social Media Shaped the Referendum Campaign", available at: 20.06.2018.<http://www.haenska.net/wp-content/uploads/2017/09/H%C3%A4nska-and-Bauchowitz-2017-Tweetign-for-Brexit-How-social-media-infludenced-.pd>  
 Kahne, Joseph and Bowyer, Benjamin (2018), "The Political Significance of Social Media Activity and Social Networks", *Journal Political Communication*, Vol. 35, 2018 -Issue 3.  
 Lei, Zhang (2017), "The Influence of Internet Social Media on the Chinese

Political System", *Advances in Economics, Business and Management Research*, Vol. 48.

Marchenko, Alla (2016), "Civic Activities in Eastern Europe: Links with Democratic Political Culture", *East European Politics*, Vol.32, No.1.

Marinescu, Alexandru (2019), *Building Political Cultures through Social Media, MA in Culture, Communication, and Globalization*, Aalborg University.

Nojang Khatami, Richie (August 2013), *Between Worlds, among Stories: A Cosmopolitan Approach to Iranian Political Culture; the Faculty of Graduate and Postdoctoral Studies (Political Science)*, University of British Columbia (Vancouver).

Paletz, D., Owen, D. and Cook, T. (2016), *American Government and Politics in The Information Age*, V. 2.0. Minneapolis: University of Minnesota Libraries Publishing

Rauschenbach, Rolf (2012), "Post-Conventional Political Culture via Processes of Direct Democracy: Theoretical Considerations based on Jurgen Habermas and Lawrence Kohlberg", *Swiss Political Science Review*, Vol.18.

Rystina, Indira Sadybekovna (2013), "Evolution of the Political Culture of the Youth of Kazakhstan", *Procedia- Social and Behavioral Sciences* 89.

Shmargad, Y. & Klar, S. (2019), "How Partisan Online Environments Shape Communication with Political Outgroups", *International Journal of Communication*, 13.

Swedlow, Brendon (2013), *Chapter: Political Culture. Encyclopedia of Modern Political Thought*, Edited by Gregory Claeys, Publisher: CQ Press.

Theocharis, Y. (2014), *Is Digitally Networked Participation a Form of Political Participation? Conceptualizing Political Participation (pp. 3-7)*, Mannheim: Mannheim Centre for European Social Research.

Costa, Vieira and Liegi, Andressa (2018), "Political Culture and Democracy in Latin America: Perspectives on Brazil and Colombia", *Encuentro Latino Americano*, Vol. 5, No. 1.

Voinea, Camelia Florela (March 2021), "Anticipatory Backgroundsin Classic Political Culture Theory. Why Would It Matter?", *European Journal of Political Culture*, Vol. 1, Issue 1.

Wessels, B. (2018), *Communicative Civic-ness: Social Media and Political Culture*, New York: Routledge.